

الگوی تکوین و نقش‌آفرینی دولت عمیق در ترکیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

رضا رازقی^۱

فائز دین پرست^۲

چکیده

در این مقاله با استفاده از تئوری دولت عمیق، نقش و قدرت نظامیان در ترکیه و چگونگی مداخلات آنها در عرصه سیاسی ترکیه تحلیل شده است. سؤال پژوهش این است که با توجه به اصلاحات قانون اساسی ترکیه و کاهش نفوذ نظامیان در امور سیاسی، آیا امکان این که نظامیان این کشور بتوانند دوباره بازیگر فعالی در عرصه سیاسی شوند، وجود دارد؟ چارچوب مفهومی پژوهش تئوری دولت عمیق است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتش هم‌چنان پتانسیل حضور در عرصه سیاسی و مداخله در امور ترکیه را دارد اما به دلایلی از جمله کاهش مشروعیت، فشارهای خارجی و تعریف و درک جدید از مسائل امنیتی در ترکیه نظامیان دریافته‌اند که مسائل سیاسی باید توسط دولت حل شود نه نظامیان و ستاد ارتش. بر این اساس آنها به دلیل داشتن دشمنان مشترک با آک‌پارتی از جمله نیروهای پ‌ک‌ک و جنبش گولن به صورت ضمنی با اردوغان و دولت آک‌پارتی به ائتلاف رسیده‌اند و با توجه به این که اردوغان برای تأمین امنیت و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی نیاز به حمایت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی Reza_razghi@atu.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی گرایش مطالعات ایران دانشگاه علامه طباطبائی. نویسنده مسئول

۱۰۰ فصلنامه دولت پژوهی

ارتش دارد و ارتش هم در صورتی که مسائل امنیت ملی و دفاعی کشور از لحاظ آنها مد نظر قرار گیرد، با دولت آک پارتی همکاری می‌کند. روش گردآوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای است و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل ردیابی فرآیند انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: دولت عمیق، نظامیان، مداخله، ائتلاف

نقش و حضور ارتش و نظامیان در عرصه سیاست سنتی است که در اکثر کشورهای جهان سوم وجود دارد. اما این نقش در برخی از کشورها خصلت ویژه و متفاوتی دارد. ترکیه یکی از کشورهایی است که ارتش و نظامیان همواره در عرصه قدرت سیاسی نقش حائز اهمیتی را ایفا کرده‌اند و از میراث بلندمدت در فرهنگ سیاسی و تاریخی جمهوری ترکیه برخوردارند و حضور آنها در عرصه سیاسی ریشه عمیق اجتماعی دارد و نفوذ آنها مقدم بر پیدایش جمهوری ترکیه است و از آرمان‌ها و منافع ویژه‌ای پیروی می‌کند.

ارتش ترکیه سابقه انجام چهار کودتای موفق در طی سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷ را دارد و همواره در امور سیاسی مداخله نموده است، اما با روی کار آمدن اسلام‌گرایان و حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ادامه مداخلات نظامیان در عرصه سیاسی با مشکل مواجه شد و رهبران حزب عدالت و توسعه با در دست گرفتن قدرت سیاسی، از نقش و مداخله نظامیان در امور سیاسی کاستند. رهبران آک‌پارتی که کاهش نقش نظامیان در امور سیاسی از وعده‌های انتخاباتی آن‌ها بود از طریق اصلاح قانون اساسی و از راه‌های قانونی، مجاری نفوذ نظامیان را در عرصه سیاسی مسدود کردند، نقش نظامیان را در شورای امنیت ملی کاهش دادند و با اجرای این اصلاحات، دولت آک‌پارتی برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ترکیه در انتخاب فرماندهان ارتش نقش داشت.

دگرگونی‌های وسیع مذکور در خصوص نقش نظامیان و کاهش نفوذ آن‌ها در امور سیاسی باعث طرح پرسش‌های زیادی می‌شود از جمله؛ به رغم داشتن نقش محافظتی از اصول کمالیستی به عنوان تنها نظام عقیدتی کشور و نیز وجود دشمنان داخلی و خارجی نظامیان چگونه از قدرت سیاسی کنار خواهند کشید و این مسائل به طرح این پرسش منتهی می‌شود که با توجه به نکته فوق آیا امکان



این که نظامیان در ترکیه دوباره بتوانند بازیگر فعالی در عرصه سیاسی شوند، وجود دارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش ارائه شده این است که با توجه به مشکلات امنیتی در این کشور، پشتوانه‌های اقتصادی و مالی، داشتن میراث بلندمدت در فرهنگ سیاسی و تاریخی ترکیه این امکان که نظامیان بتوانند دوباره بازیگر فعالی در عرصه سیاسی شوند وجود دارد.

اگر چه طی سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در خصوص نقش و مداخله نظامیان و یا پایان یافتن این نقش در سیاست ترکیه انجام شده (جلالی: ۱۳۹۱، طالبی: ۱۳۹۷، صارمی: ۱۳۸۲، کرمی: ۱۳۹۱، Lars hougom:2016) اما تاکنون تحولات نظامیان ترکیه بر اساس نظریه دولت عمیق بررسی نشده است.

چارچوب نظری تئوری دولت عمیق

دولت عمیق^۱ از جمله مفاهیمی است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ وارد ادبیات سیاسی شد و طی سال‌های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است، واژه‌هایی نظیر دولت موازی و دولت نگهبان نیز مترادف این اصطلاح به کار برده می‌شود. دولت عمیق نه تنها در کشورهای توسعه‌نیافته بلکه در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکا نیز وجود دارد (Tunander, 2009)، به نقل از پورحسن، ۱۳۹۵: ۵۵).

اصطلاح دولت عمیق مفهوم گسترده‌ای دارد و تعریف آن مشکل است، این واژه به طور غیررسمی برای توصیف فعالیت‌های سیاسی به کار می‌رود که شفاف نیست یا روابطی که به صورت صریح مشخص نشده است. هم‌چنین مشکل دیگر در تعریف این اصطلاح این است که مطالعاتی که در این حوزه انجام شده تا برای آن مفهوم‌سازی کنند به صورت منفرد بوده و امر کلی‌سازی را که بتوان به صورت قیاسی استعمال کرد را سخت کرده است؛ در نتیجه مهم است که ابتدا

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۰۳

فاکتورهای مشترک این تعاریف را مشخص کنیم که مهم‌ترین آنها به قوانین غیررسمی اشاره دارند که در قوانین کشورها نوشته نشده‌اند بلکه ساخته شده و خارج از کانال‌های قانونی اجرا می‌شوند (O'Neil, 2017: 3).

پاتریک اونیل در چارچوب مقایسه نظام‌های سیاسی، دولت عمیق را مورد بررسی قرار داده است؛ وی دولت عمیق را مجموعه سری از بازیگران سیاسی و نهادهایی می‌داند که خود را ماهرانه در دولت مخفی کرده‌اند، تعریف کرده است. به علاوه مجموعه‌ای از نهادهای اجبار، بازیگران و روابطی است که از نهادهای دفاعی، اطلاعاتی و پلیسی هستند و به میزان بالایی خودمختارند و اقدامات خود را به بهانه جلوگیری از تهدیدات حیاتی و دفاع از ملت توجیه می‌کند. از نظر اونیل یکی از ویژگی‌های دولت عمیق این است که شامل دستگاه‌های امنیتی که مفهومی فراتر از نیروهای مسلح است می‌شود، این دستگاه امنیتی دارای ویژگی‌هایی هستند از جمله: الف) از نظر سازمانی از سطح بالای خودمختاری - از نظر عمودی یعنی روابط با دیگر ارکان دولت - و هم میزان بالای جدایی - افقی در رابطه با دیگر بازیگران سیاسی یا نیروهای مسلح، وزارتخانه‌های دفاع و کشور برخوردارند. ب) اعضای دولت عمیق منطق درونی و توجیهی خاصی برای خود قائل هستند و خودشان را نگهبانان ارزش‌های ملی در برابر دشمنان داخلی و خارجی می‌دانند. به عبارت دیگر آنها به دیگر نهادها از جمله دولت و حتی جامعه اعتماد لازم را برای حفظ ارزش‌های ملی ندارند، بنابراین اقدامات خود را علیه کسانی که خائن به ارزش‌های ملی می‌خوانند توجیه می‌کنند و خود را هسته نمادین ملت می‌دانند.

ج) از دیگر ویژگی‌های دولت عمیق توهم توطئه است که با توجه به ویژگی قبلی، دولت عمیق خود را مؤظف می‌داند که کشور به دست دشمنان نیافتد.

د) دولت عمیق برای تداوم سلطه خود نیازمند حامی پروری و رانت‌دهی است و این توانایی را دارد که حلقه‌های گسترده از حامیان فراتر از دولت را ایجاد کند؛ زیرا اصولاً دولت عمیق به سازوکارهای انتخاباتی و حمایت گسترده مردمی



برای مشروعیت خود اعتقاد ندارد (O'Neil, 2017: 4-8).

دولت عمیق وجود خود را با نیاز به قیومت بر جامعه و دولت توجیه می‌کند و خود را به عنوان نگهبان ارزش‌های ملی در برابر دشمنان خارجی و داخلی می‌داند. به طور خلاصه دولت عمیق به دولت، نیروهای نظامی و جامعه برای حفظ ارزش‌های ملی اعتماد نمی‌کند، در نتیجه دولت عمیق اعمالی را توجیه می‌کند که علیه دولت، جامعه و نظام کشور بوده است و آن‌ها را مؤلف به دفاع در برابر خیانت‌کاران به ملت و ایدئولوژی ملی می‌شناسد.

پارانویا و توهم توطئه: منطق قیومت به طور کلی به وسیله یک ظن دشمن‌پنداری همه‌جانبه نه فقط در بین اعضا بلکه به طور کلی در بین ملت توجیه می‌شود. در این جهان‌بینی، تاریخ ملی به عنوان یکی از بدبختی‌هایی است که در دست قدرت‌های خارجی که در گذشته حکومت ملی را سرنگون کرده، سرنوشت ملی را دگرگون نموده و این مساله تا امروز هم ادامه داشته است؛ در حال حاضر صرف‌نظر از روابط دوستانه‌ای که ممکن است بین دولت و همکاران خارجی‌شان باشد، دولت عمیق باید همیشه هوشیار باشد تا از توطئه‌های خارجی و داخلی که ملت را به دست دشمن می‌دهد حفظ کند. دشمن ممکن است رقیب‌های تاریخی، هژمونی منطقه‌ای یا توطئه‌های جهانی و اجتماعات پنهانی که از پشت پرده مسائل بین‌المللی را کنترل می‌کنند، باشد. این دیدگاه‌ها هم‌چنین می‌توانند سوءظن به وجود ستون‌های پنجم جاسوسی در داخل کشور باشد مانند اقلیت‌های قومی و مذهبی که با دشمنان خارجی همکاری کنند. چنین تهدیدهایی اعمال توطئه‌گرایانه را از سوی دولت عمیق توجیه می‌کند و این اقدامات برای خنثی سازی تهدیدات لحاظ شده علیه ملت موجه‌اند (O'neil, 2017: 4-7).

دولت عمیق خود را به عنوان نگهبان مجموع اصول و عقایدی که آنها را به عنوان ارزش‌های ملی معرفی کرده است می‌داند و هرگونه تهدید علیه آنها را تهدید علیه ارزش‌های ملی کشور می‌داند و مؤلف به دفاع از آنهاست و اقدام



آنها در قالب کودتا و براندازی دشمنان این ارزش‌هاست. دولت عمیق ظهور قیومت غیردموکراتیک است و دمکراتیزاسیون مستلزم حذف دولت عمیق، ساختار آن و بازیگرانش است؛ در نتیجه دولت عمیق بزرگترین رقیب و مانع تغییرات سیاسی و دمکراتیزاسیون است، علی‌رغم اینکه ممکن است مشروعیت و قدرت خود را به بهانه تهدیدات وجودی علیه ملت توجیه کند اما در واقع تهدید وجودی واقعی «علیه ملت» خود دولت عمیق است؛ چرا که ممکن است بازیگران دولت عمیق نتوانند پس از گذار به دموکراسی روابط تاریک و نامشروع خود را تبدیل به قدرت سیاسی مشروع کنند و در نتیجه احتمال حذف آنها بسیار زیاد هست و به همین دلیل مانع گذار به دموکراسی و دمکراتیزاسیون هستند.

روش پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک ردیابی فرآیند در سطح تحلیل درون‌موردی استفاده می‌شود.

در تحلیل درون‌موردی واقعه خاص تاریخی در درون یک جامعه معین و از طریق مطالعه سلسله حوادثی از نوع شرایط علی تحلیل می‌شود. این نوع تحلیل شیوه‌ای از استنباط علی است که در آن محقق فرضیات تحقیق را در پرتو مشخصات موردی خاص، آزمون می‌کند. در حقیقت محقق برای پیدا کردن مکانیسم‌های میانجی که پیوند دهنده یک متغیر تبیینی فرضیه‌سازی شده به یک معلول است، از تحلیل درون‌موردی استفاده می‌کند. مهم‌ترین نوع تحلیل درون‌موردی عبارت است از «ردیابی فرآیند»، تکنیکی که در آن تحلیلگر تلاش می‌کند که مکانیسم‌های علی را مشخص نماید که متغیر تبیینی را به یک

پیامد پیوند می‌دهد و به محقق کمک می‌کند تا به بررسی مکانیسم‌هایی بپردازد که از طریق آنها یک متغیر مستقل به یک متغیر وابسته پیوند می‌خورد. گرچه بخش مهمی از استنباط علی شامل مشخص نمودن تأثیر علی یک متغیر خاص تبیینی بر متغیر وابسته است؛ ولی برای بسیاری از تحلیل‌گران کیفی بخش مهم‌تر عبارت است از مشخص نمودن مکانیسم‌های علی که یک متغیر مستقل را به یک متغیر وابسته پیوند می‌دهد. ردیابی فرآیند دربردارنده‌ی تحلیل یک مورد بر اساس توالی وقایع یا چندین توالی متصل به هم است، از این رو برای تبیین یک واقعه خاص باید آن را در یک پیوستار علی قرار داد و مراحل مختلف وقوع آن پدیده را روشن ساخت (طالبان، ۱۳۸۷: ۴-۱۰) و (Beach, 2012).

نظامیان در تاریخ ترکیه

از نظر جامعه‌شناسی سیاسی بررسی رابطه ارتش از یک سو با جامعه و نیروهای اجتماعی و از سوی دیگر با دستگاه قدرت سیاسی حائز اهمیت است. به عبارت دیگر آنچه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی مهم است نقشی است که ارتش به عنوان واسطه میان طبقات و گروه‌های اجتماعی از یک سو و حکومت از سوی دیگر ایفا می‌کند. معمولاً ارتش به عنوان ابزار اجرا قدرت و خشونت دولتی ذاتاً فاقد مسئولیت سیاسی است اما در عمل به دلایل مختلف ممکن است به انحاء گوناگون و به طور مستقیم و غیرمستقیم مسئولیت اعمال قدرت سیاسی را به دست گیرد (بشیری، ۱۳۹۲: ۲۶۲).

هرچند نقش ارتش ترکیه در صحنه سیاست، سنتی است که در بخش اعظم کشورهای جهان سوم وجود دارد، ولی جایگاه ارتش در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه، خصلتی ویژه و متفاوت دارد. ویژگی مداخله‌ای ارتش در سیاست کشورهای جهان سوم این است که از سوی یک حزب یا خاندان صورت می‌گیرد و در واقع ارتش به عنوان ابزار سلطه استفاده می‌شود.

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۰۷

با این حال هرچند که نفوذ و مشارکت نظامیان در امر تصمیم‌سازی سیاسی جزء لاینفک حیات سیاسی ترکیه بوده است، اما جایگاه ارتش در ترکیه برخلاف الگوهای حاکم در کشورهای جهان سوم است، زیرا نهاد ارتش در ترکیه از میراثی بلندمدت در فرهنگ سیاسی و تاریخی ترکیه برخوردار است و ریشه عمیق اجتماعی دارد و نفوذ آن مقدم بر پیدایش جمهوری ترکیه است و همچنین از آرمان‌ها و منافع ویژه‌ای پیروی می‌کند (موسوی و نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۱۴) در همین راستا دو دلیل عمده برای اهمیت نظامیان در نزد عامه مردم این کشور وجود دارد؛

نخست، فرهنگ عمومی ترکیه اهمیت ویژه‌ای برای نظامیان قائل است و این امر ریشه در روانشناسی ترک‌ها دارد. شاید جنگاوری ترک‌ها و افسانه شکست ناپذیری سربازان این کشور در ذهن مردم پایدار مانده است، یا این کشور و تمامی کشورهایی که استقلال خود را مدیون نیروی نظامی هستند این ذهنیت را دارند که حضور نظامیان در رأس قدرت و اهمیت این الیت برای ثبات و استقلال از دیگران اهمیت دو چندانی دارد (روا، ۱۳۹۵).

ارتش ترکیه در طول قرن ۱۹ به عنوان نیرویی نوساز پدیدار شد. زمانی که امپراطوری عثمانی در حال از دست دادن قلمروهای خویش در اروپا و کریمه بود و به منظور نجات امپراطوری و رقابت با قدرت‌های غربی، نخبگان عثمانی به فکر سازماندهی ارتش و نیروهای مسلح خود طبق معیارهای اروپایی افتادند. آنها مدارس جدیدی تأسیس کردند و از اروپا مریبان نظامی استخدام کردند و دوره‌های آموزشی نظامی نوین اقتباس کردند و چند سال بعد انجمن اتحاد و ترقی را پایه‌گذاری کردند و متقاعد شدند که اگر ترکیه قرار است در جهان مدرن باقی بماند باید نظم کهن را از میان ببرد. افسران انجمن اتحاد و ترقی راه ملی‌گرایی را در پیش گرفتند و دست به تشکیل انجمن‌های مخفی زدند که نخستین رهبران ملی‌گرا از دل آنها پدیدار شدند.

پس از شکست امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول ژنرال‌های عالی رتبه



مشغول به خدمت کسانی مثل کمال پاشا، کاظم کارابکیر و فوات جیسوی در همکاری با رهبران غیرنظامی و محلی، جنبش دفاع از حقوق را در آناتولی سازماندهی کردند و این گروه جنگ استقلال ترکیه را رهبری کرد و حزب جمهوری خواه خلق و نخستین جمهوری ترکیه را به میدان آورد (ازگر اولوس، ۲۰۱۱: ۳).

بازسازی بقایای امپراطوری که در طول بیش از دو دهه جنگ و خشونت، ویران شده بود مهم‌ترین وظیفه جمهوری در سال‌های نخستین به شمار می‌رفت. این بازسازی که نوعی نوزایی به شمار می‌رفت شاهد اجرای تمام‌عیار برنامه نوسازی اتحاد و ترقی، یعنی خاستگاه شمار زیادی از کادرهای جمهوری بود. اقتدارگرایی نوساز در این عصر پایه‌های ایدئولوژیک آن و تجربه اضطراب‌آور آنچه «انقلاب از بالای» اداری می‌نامند، نقش مهمی در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی و خطوط گسل ایدئولوژیک ترکیه مدرن ایفا کرده‌اند. در سه دهه نخست عمر جمهوری، دولت جدید مصطفی کمال رهبر ابدی که همه ویژگی‌های یک دیکتاتوری به جز نام آن را داشت، ایدئولوژی و فرهنگ خاص خود را که کمالیسم نام گرفته بود، آفرید و شهروندان ایده‌آل جمهوری خود را این گونه تعریف کرد: «براساس قانون، کشور جمهوری، سکولار و مدنی است، اما در عمل حقوق کامل شهروندی تنها به گروه قومی-مذهبی غالب تعلق می‌گیرد، تنها مسلمانان ترک‌زبان، ترک شناخته می‌شدند در حالی که سایر گروه‌های دیگر با سطوح گوناگون طردشدگی روبه‌رو بودند. گروه‌های غیرترک مانند کردها در تئوری استعداد آن را داشتند که به ترک تبدیل و به عنوان مسلمان یکسان سازی شوند. اما غیرمسلمانان از آنجا که برای ادغام کامل در درون جامعه و نظام سیاسی ترکیه نامناسب به شمار می‌آمدند آشکارا از دایره حقوق کامل شهروندی طرد شده بودند» (اکتم، ۱۳۹۵: ۶۹).

جوهر مدرنیزاسیون کمالیستی سعی داشت تا زمانی که این کشور به طور کامل متحد نشده است حوزه‌های سیاسی را کنترل کند. در ذات و سرشت این

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۰۹

ایدئولوژی، سیاسی سازی توده‌ها و بازنمایی هویت‌های متفاوت سیاسی و اجتماعی دارای بار منفی هستند و تنها چیزی که از طبقات سیاسی انتظار می‌رود این است که به نیازهای دولت در کنترل جامعه کمک کنند و به همین دلیل ایدئولوژی کمالیستی نسبت به فعالیت‌های سیاسی اکراه دارد و در باطن آن نوعی بی اعتمادی ذاتی نسبت به هویت‌های اجتماعی نهفته است (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۲). بعد از تثبیت قدرت کمالیست‌ها، نظامیان نفوذ خود را در تحولات اجتماعی و سیاسی ریشه‌دار کردند و با هدف مدرنیزاسیون و نجات کشور از مشکلات موجود، ارکان جامعه تُرک آن زمان را تحت تأثیر خود قرار دادند. برقراری نظام لائیک و سکولار، کنش‌های ناسیونالیستی، تُرک‌گرایی و دور شدن از ارزش‌ها و فرهنگ‌های دینی و قومی از نتایج این تحولات به شمار می‌رود که امنیت حول محور این اهداف تعریف می‌شود و از آن زمان به بعد نیروهای مسلح به دلیل ریشه‌های تاریخی، نفوذ سیاسی خود را در اداره کشور به کار گرفتند (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۰).

ارتش ترکیه مسئول تضمین قانون اساسی این جمهوری تلقی شد. ماده ۳۵ قانون خدمات داخلی اعلام می‌داشت که «وظیفه نیروهای مسلح حفظ و پاسداری از سرزمین و جمهوری ترکیه است؛ آن هم به شیوه‌ای که در قانون اساسی تصریح شده است».

مطالعه تاریخ معاصر ترکیه نشان می‌دهد که نیروهای مسلح و ارتش نقش عمده‌ای را در سیاست این کشور ایفاء کرده و می‌کنند. تا قبل از سال ۱۹۶۰ فعالیت‌های سیاسی ارتش به صورت غیرمستقیم بود اما در همین سال افسران ارشد نظامی برای حفظ سیاست‌ها و ایدئولوژی کمالیستی مستقیماً وارد فرایند سیاسی شدند و حکومت منتخب مردم را کنار زده و یک رژیم نظامی را حاکم کردند و بعد از دستیابی به اهداف خود امور سیاسی را به غیرنظامیان واگذار کردند، هم‌چنین در سال ۱۹۷۱ ژنرال‌های ارتش کودتای غیررسمی انجام دادند و طی آن دولت وقت را مجبور به تسلیم کرده و نخست‌وزیر مورد تأیید خود را



انتصاب کردند. ژنرال‌ها دولت غیرنظامی سلیمان دمیرل را در سپتامبر ۱۹۸۰ برکنار کردند و با کنترل شدید انتخابات عمومی در سال ۱۹۸۳ فعالیت‌های سیاسی را محدود ساخته و قانون اساسی و چارچوب سیاسی نوینی را تدوین کردند، هم‌چنین در سال ۱۹۹۷ ارتش بار دیگر اقدام به مداخله در امور سیاسی نمود و طی کودتایی که به کودتای پست‌مدرن مشهور است نخست‌وزیر اسلام‌گرای حزب رفاه، نجم‌الدین اربکان را وادار به کناره‌گیری کردند (جلالی، ۱۳۹۱: ۴-۵).

پایبندی به اصول کمالیسم و لائسیته همواره ارتش را در جایگاه برتری قرار داده و این مساله مستمسکی برای حذف رقبای سیاسی از صحنه قدرت شده است، به طوری که هرگاه قصد حذف مخالفان سیاسی را داشتند آنها را به مخالفت با اصول کمالیستی متهم می‌کردند و از سر راه بر می‌داشتند؛ چرا که خود را حافظ مبانی عقیدتی کمالیسم که به عنوان تنها نظام عقیدتی رسمی کشور است، می‌دانند.

ابزارهای دخالت ارتش در امور سیاسی

در کشور ترکیه به دلیل واقعیت‌های تاریخی و جنگ‌ها، تهدیدات خارجی، استبداد حکام عثمانی، شرایط سیاسی و تفکرات آتاترک و ویژگی‌های جغرافیایی، امنیت در سایه حضور نظامیان تعریف شده است. این کشور قرن‌ها در حالت بحران قرار داشته و جامعه معتقد به قدرت نظامی برای غلبه بر این مشکلات بوده است. حکومت‌های ضعیف غالباً ارتش را وامی‌دارند تا به عنوان تنها تشکیلات دارای قدرت و یا تنها تشکیلات دارای مشروعیت ملی، جهت حفظ یکپارچگی حکومت وارد صحنه اداره کشور شود و این موضوع در کشورهایی که تاریخ آنها با جنگ عجین بوده غلبه بیشتری دارد (ای آزر، ۱۳۷۹: ۴۲).

مصطفی نعیمه، تاریخ نگار عثمانی، عقیده‌ای دارد که آن را به صورت «دور

عدالت» مطرح کرده است. وی معتقد است: «۱- ملک یا دولت بدون سپاه نمی‌تواند برقرار باشد، ۲- حفظ و نگهداری سپاه مستلزم ثروت است، ۳- ثروت از مردم کسب می‌شود، ۴- مردم نمی‌توانند به سعادت و رفاه دست یابند مگر در سایه عدالت، ۵- عدالت برقرار نخواهد شد مگر در پناه ملک و دولت و باز ملک و دولت بدون سپاه نمی‌تواند برقرار باشد» (حجی شاو، ۱۳۷۰: ۲۰۳). در حقیقت از این دیدگاه، امنیت فقط در سایه شمشیر و در پناه سرنیزه تأمین و اداره حکومت با حضور نظامیان و صاحبان زور میسر می‌گردد.

۴-۱) قانون اساسی: بعد از جنگ اول جهانی و تجزیه امپراطوری عثمانی که ترک‌های جوان به رهبری آتاترک قدرت را در دست گرفتند، نفوذ نظامیان در تحولات اجتماعی و فرهنگی ترکیه ریشه‌دار شده و با هدف مدرنیزاسیون و نجات کشور از مشکلات موجود، ارکان امنیتی جامعه ترک آن روز را تحت تأثیر قرار دادند (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۰) و دلایل حضور و دخالت خود را در اصول قانون اساسی گنجانده‌اند.

قانون اساسی اولیه ترکیه در سال ۱۹۲۱ نوشته شده و از زمان اعلام رسمی جمهوری نیز سه قانون در سال‌های ۱۹۲۴، ۱۹۶۱ و ۱۹۸۳ به تصویب رسیده بود. تا زمان تجدیدنظر در قانون اساسی سال ۲۰۱۰ همه مسئولیت‌ها برای حفاظت از دولت ترکیه در برابر چالش داخلی و خارجی در اختیار ارتش و جزو مسئولیت‌های آنها بود (گنابادی، ۱۳۸۹).

بر اساس ماده دوم قانون اساسی ترکیه این کشور یک جمهوری لائیک با ساختار دموکراتیک است و از سوی دیگر اساس‌نامه داخلی نیروهای مسلح ترکیه تصریح می‌کند که ارتش این کشور حق دارد هنگامی که ویژگی‌های جمهوری خصوصاً لائیک بودن آن به مخاطره افتد، دخالت کند؛ بر طبق این قانون این دخالت حتی می‌تواند دخالت نظامی باشد. شماری دیگر از مواد قانون اساسی ترکیه نیز بر حق و سلطه ارتش صحنه می‌گذارند؛ به عنوان مثال قانون اساسی ترکیه به رئیس ستاد ارتش، قدرت و اختیارات بیشتر نسبت به وزیر



دفاع و تمامی اعضای کابینه دولت اعطا می‌کند. اگر چه در سلسله مراتب اداری، رئیس ستاد ارتش در مرتبه‌ای پایین‌تر از نخست‌وزیر قرار می‌گیرد اما در واقع در حساس‌ترین بخش‌های حکومتی از اختیارات بیشتری برخوردار است (turkey Constitution of the republic قبل از اصلاحات ۲۰۱۰).

۴-۲) شورای امنیت ملی: نهاد اساسی تصمیم‌گیری در ترکیه، شورای امنیت ملی می‌باشد که تصمیم‌گیرندگان آن عمدتاً ارتشی‌ها و نیروهای مسلح هستند. این شورا متشکل از نخست‌وزیر، رئیس ستاد مشترک ارتش، وزیران دفاع ملی و امور خارجی، فرماندهان نیروهای هوایی، زمینی و دریایی ارتش و ژاندارمری می‌باشد که به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل جلسه می‌دهد. شورای امنیت ملی مسئول تنظیم سیاست‌های امنیتی کشور و اتخاذ تصمیمات ضروری و مهم در مواقع حساس می‌باشد اگر چه طبق قانون اساسی فرماندهی کل قوای نیروهای مسلح با رئیس‌جمهور است اما رئیس ستاد مشترک ارتش که به وسیله کابینه منصوب و توسط رئیس‌جمهور تأیید می‌شود، عملاً نقش برجسته‌ای در ارکان سیاسی کشور دارد. در زمان وضعیت بحران، ورود نیروهای مسلح و ارتش به عرصه‌های سیاسی و نیز استفاده از کودتا از واقعیت‌های تاریخی کشور ترکیه محسوب می‌شود (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۱).

به اعتقاد مجله لوموند دیپلماتیک، شورای امنیت ملی ترکیه کم‌کم به یک دولت در سایه تبدیل شده است. این شورا در مورد کلیه موضوعات جامعه اعم از اقتصاد، سیاست، قضا و ... اظهار نظر می‌کند و بیانیه می‌دهد. این شورا دیگر مثل سابق به ارائه نظر مشورتی یا انتقاد از روند جاری کشور اکتفا نمی‌کند، بلکه پا را فراتر از این‌ها گذاشته و خودش به تعریف و تبیین مبانی کشورداری می‌پردازد. شورای امنیت ملی در سال ۱۹۶۱م دچار تغییرات ساختاری شد و قانون اساسی آن را تبدیل به یک نهاد تثبیت شده کرد که ظاهراً نظرات نظامیان را در خصوص مسائل امنیتی اخذ می‌نمود، اما در عمل این شورا به عنوان نگهبان و حافظ جمهوری عمل می‌کرد. به عبارت دیگر در ابتدا نقش نظامیان

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۱۳

در این شورا یک نقش اصلی و محوری نبود بلکه قدرت دیوانسالاران در آنجا تثبیت شده بود و در این دوره اعضای غیرنظامی شورا بیش از فرماندهان نظامی بود. به مرور زمان چرخه قدرت به ضرر غیرنظامیان تغییر کرد و در سال ۱۹۷۳م اصلاحیه‌هایی بر قانون اساسی وارد شد که به موجب آن وظایف شورا افزایش یافت و حتی توصیه به دولت برای تصحیح تصمیم‌گیری را شامل گردید. سرانجام به موجب اصل ۱۱۸ قانون اساسی سال ۱۹۸۲م این شورا از نظر ماهیت و افراد تشکیل‌دهنده آن دچار تغییرات اساسی شد به صورتی که از این زمان به بعد تعداد نظامیان برابر غیرنظامیان شد و نفوذ آنها بیشتر شد و نظر آنها به عنوان «نظر غالب» به سایرین تحمیل می‌شد (حیدرزاده، ۱۳۸۰: ۲۶۰-۲۶۱).

در کشور ترکیه ساختارهای سیاسی از واقعیت تاریخی - اجتماعی سلطه نظامیان متأثر است و نیروهای مسلح بطور سنتی نفوذ برجسته‌ای در ارکان جمهوری ترکیه دارند؛ به طوری حتی در میان رؤسای جمهور این کشور از سال ۱۹۲۳ و تشکیل جمهوری تاکنون بیشتر آنها از میان نظامیان بوده‌اند. این ساختار پلیسی - سیاسی به طور قابل ملاحظه‌ای بر ارکان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... کشور تأثیرات خود را گذاشته است و جو پلیسی - نظامی بر حیات سیاسی - اجتماعی ترکیه سایه گسترانده است. در چنین وضعیتی سیستم پلیس و ارکان نظامی نیز در راستای این ساختار سیاسی - امنیتی شکل گرفته است، به طوری که در اغلب موارد سیستم پلیسی - امنیتی تحت نفوذ سیستم میلیتاریستی قرار دارد. در این کشور گرچه از گرایش‌های دموکراسی و آزادی‌خواهانه سخن به میان می‌آید اما به طور پنهانی فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی و ... به شدت کنترل می‌شود. سیستم امنیتی ترکیه شامل دو قسمت آشکار و پنهان است؛ در بخش آشکار، مهم‌ترین نهاد سازمان میت^۱ می‌باشد و

در بخش پنهانی آن عمده‌ترین وظایف را تشکیلات اداره دوم ارتش (اطلاعات) انجام می‌دهد که کارهای جاسوسی و ضد جاسوسی را با اختیارات کامل و تام بر عهده دارد (صارمی، ۱۳۸۲: ۷).

فعالیت در بخش‌های اقتصادی: نظامیان ترکیه علاوه بر حضور در عرصه سیاسی در حوزه اقتصادی نیز قدرت بیشتری را در اختیار دارند، حتی برخی بر این باورند که صلاحیت شورای امنیت ملی ترکیه که نظامیان در آن حرف آخر را می‌زنند از صلاحیت مجلس بیشتر است. یکی دیگر از ابزارهای اعمال نفوذ ارتش ترکیه شرکت‌های تجاری تحت تملک آنهاست، به طوری که گفته می‌شود ۴۷ درصد بخش تولید اتومبیل و ۱۰ درصد از توان بخش تولید سیمان در ترکیه در زمره شرکت‌های وابسته به ارتش است که با توجه به اینکه از معافیت مالیاتی هم برخوردارند شرکت‌های خصوصی توان رقابت با آنها را ندارند.

نیروهای مسلح در تلاش برای حمایت از افسران در برابر اقتصاد مستعد بحران ترکیه و برای افزایش استقلال مالی نیروهای نظامی از دولت غیرنظامی، از سال ۱۹۶۰ گروه‌های مالی ایجاد کردند که تحت کنترل نظامیان بود. این گروه‌ها در اقتصاد تعاونی‌ها سهم عمده‌ای را به گروه افسران می‌دادند. برای نمونه صندوق تعاونی نیروهای مسلح اوپاک^۱ در سال ۱۹۶۱ با هدف تأمین اجتماعی برای کارکنان نیروهای نظامی شروع به کار کرد. این صندوق به یکی از بزرگترین مجتمع‌های مالی ترکیه تبدیل شده است، اما اوپاک تنها مجموعه‌ای نیست که نظامیان آن را کنترل می‌کنند بلکه بنیاد پشتیبانی نیروهای مسلح ترکیه^۲ (نیروی دریایی، هوایی و زمینی) نیز یکی دیگر از نهادهایی است که نیروهای نظامی آن را کنترل می‌کنند. این دو نهاد نظامی وظیفه کنترل و رهبری

1. Oyak
2. The Turkish Armed Forces Support Foundation

شرکت‌های تابعه ارتش را بر عهده دارند، این شرکت‌ها می‌کوشند تا به عنوان محل تأمین درآمد نیروهای مسلح ایفای نقش کنند. علاوه بر این، این شرکت‌های اقتصادی نقش قابل توجهی نیز در کمک به بهبود وضع اقتصاد ملی دارند. نظامیان ترکیه در اثر فعالیت‌های اقتصادی خود آن چنان با سرمایه‌داری درآمیخته‌اند که دیگر نمی‌توانند بی‌طرف باشند یا از سیاست فاصله بگیرند. فعالیت‌های اقتصادی آنها نه تنها میزان استقلال مالی و سیاسی ژنرال‌ها را از دولت غیرنظامی افزایش داده بلکه ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین تشکیلات نظامی و صاحبان صنایع در ترکیه و خارج از کشور پدید آورده است.

ساختار سیاسی ترکیه خصوصاً بعد از کودتای ۱۹۶۰ به گونه‌ای شکل گرفته بود که در آن نهادهای انتصابی هم چون سیستم قضایی و نظامی، نهادهای سیاسی و احزاب را کنترل می‌کردند. در قانون اساسی که تدوین آن توسط نظامیان کشور مدیریت شد نهادی به نام دادگاه قانون اساسی پیش‌بینی کرده بود هر زمان دولت‌های انتخابی ساختار و منافع نهادهای انتصابی را با خطر مواجه کند، نیروهای نظامی وارد عمل شوند و نهادهای انتخابی را کنترل کنند و انحلال و ممنوع‌الفعالیتی بیش از ۲۰ حزب به اتهام فعالیت‌های ارتجاعی، مارکسیستی و قوم‌گرایی از جمله این اقدامات بوده است (عبدالهی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

تکوین دولت عمیق در ترکیه

دولت عمیق از جمله مفاهیمی است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ وارد ادبیات سیاسی شد. این اصطلاح پس از وقوع یک حادثه رانندگی در ترکیه در سال ۱۹۹۶ که به «رسوایی سوسلرلوک»^۱ معروف است مطرح شد (Jenkins, 2009:22).



شکل‌گیری دولت عمیق حاصل روند نسبتاً طولانی و برآیند بستر و زیرساخت‌های ویژه‌ای است (پورحسن، ۱۳۹۵: ۶). دولت عمیق در ترکیه ریشه در پیدایش دولت مدرن این کشور و تشکیل جمهوری ترکیه توسط کمال آتاترک دارد.

«در ترکیه دولتی پنهان و در سایه وجود دارد. این دولت در سایه همان نظامیان هستند.» این گفته بخشی از سخنان «سلیمان دمیرل» رئیس‌جمهور اسبق ترکیه است. به باور بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی ترکیه، ارتش این کشور همواره به عنوان حافظ اصول اعتقادی آتاترک خدمت کرده است (گنابادی، ۱۳۸۹).

دولت عمیق ساختار قدرت غیرشفاف در درون سلسله مراتب دولت است که از طریق تماس‌های میان افراد در سطوح بالا حفظ می‌شود. دولت نگهبان به تمام حوزه‌های زندگی بسط می‌یابد و هرگاه لازم باشد می‌تواند برای حفظ دولت دست به اقدام بزند. شیوه‌ها و اقدامات دولت نگهبان متناسب با دورانی است که در آن ظهور کرده است، یعنی حفظ دولت در دوران نظام تک‌حزبی. بخشی از ایدئولوژی دولت نگهبان تحت تأثیر جنبش‌های ملی‌گرایانه مخفیانه قرن نوزدهم شکل گرفته است که راه را برای حرکت سیاسی و ایدئولوژیک کلیدی ترکیه در قرن ۲۰، یعنی نوسازی ملی‌گرایانه ترکیه و در صورت لزوم پنهان کردن مقاطع تاریک تولد جمهوری، هم‌چون نسل‌کشی ارمنی یا نابودی علویان در سیم در دهه ۱۹۳۰ و کشتار کردها هموار کردند (اکتم، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۶).

در ذیل به برخی از عواملی که در تکوین دولت عمیق نقش داشته‌اند اشاره خواهیم کرد:

تقدم شکل‌گیری ارتش و نفوذ آن در ساختار ترکیه مدرن

همان‌طور که اشاره شد ارتش در ترکیه ریشه عمیق اجتماعی دارد و نفوذ آن مقدم بر پیدایش این جمهوری و تأسیس ترکیه مدرن دارد. در حکومت

عثمانی‌ها نظامیانی به نام «ینی چری» حضور داشتند که عموماً از نیروهای نظامی و امرای ارتش آن زمان محسوب می‌شدند، اما آنان نه تنها به کارهای نظامی فکر می‌کردند بلکه در اداره حکومت عثمانی نیز دخالت داشتند و در کارهای نظامی هم به عنوان ناظر حضور داشتند. در آغاز عصر عثمانی، به همت سپاهیان ینی چری بود که هژمونی عثمانی با تمسک به قوه قهریه از جنوب تا مرکز اروپا گسترده و نهایتاً تا دروازه‌های وین پیش رفته بود (گنابادی، ۱۳۸۹).

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی و به دنبال آن تأسیس حکومت ترکیه نوین در سال ۱۹۲۳ م، ترکیه یکی از کشورهایی بوده که تاریخ آن همواره با حضور مستقیم و غیرمستقیم نظامیان بر سیاست رقم خورده است. حضور ارتش در ترکیه همواره به عنوان نگهبان و حافظ کیان و منافع ملی کشور مطرح بوده است. استقلال سیاسی ارتش و قدرت خیره‌کننده پشت پرده آن، حالت فراساختاری و کاریزماتیک دارد. حفظ وحدت سیاسی کشور در مقابل شکاف‌های اجتماعی - سیاسی همواره جزئی از منافع ملی مورد ادعای ارتش و توجیه‌کننده ماهیت مستقل ارتش بوده است (حیدرزاده، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

ارتش به مثابه نیرویی نوساز

یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری و تکوین دولت عمیق نظامیان در ترکیه، تحولات مربوط به نوسازی کشورها بعد از جنگ دوم جهانی بود. نوسازی، پارادایم حاکم علوم اجتماعی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ م بود، در این مقطع نظریه‌پردازانی هم چون لوسین پای^۱ نیروهای نظامی را ابزار ایده‌آل برای نوسازی جوامع در حال توسعه به ویژه در کشورهای خاورمیانه تعبیر می‌کردند. ظرفیت سازمانی، مأموریت تعریف شده و احساسات ناسیونالیستی، نظامیان را به ابزار اصلی توسعه سیاسی تبدیل می‌کرد. بر اساس نظریه نوسازی جوامع

1. Lucian W. Pye

سنّتی، جوامعی هستند که در فرایند گذار به جوامع مدرن و پیشرفته قرار گرفته‌اند و نظامیان طرفدار نوسازی در این جوامع بوده و ایدئولوژی آن‌ها که ناسیونالیسم است به عنوان ایدئولوژی دگرگونی سیاسی جوامع پذیرفته می‌شود. پای از دیکتاتوری توسعه به عنوان تنها راه حل معضلات جهان سوم دفاع کرده و مدافع دخالت نظامیان در سیاست کشورهای در حال توسعه بوده و ارتش را مدرن‌ترین و مقتدرترین نهاد در یک جامعه انتقالی می‌دانست (ازغندی، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۷).

شکست‌های سنگین امپراطوری عثمانی از غرب که منجر به از دست دادن سرزمین‌های وسیعی از این کشور گردید، سبب شد که در تعمق به علل این شکست‌ها به عامل ضعف نظامی، بیش از سایر علل توجه گردد. این موضوع موجب شد، دستیابی به فنون و تکنولوژی نظامی به یک هدف استراتژیک تبدیل گردد. نظامیان برای دستیابی به این فنون و تکنولوژی از یک سو به کشورهای غربی اعزام شدند و از سوی دیگر با ورود مستشاران نظامی خارجی مقدمات تشکیل ارتش نوین در این کشور فراهم گردید. این تعامل فارغ از ایجاد فرصت‌ها برای بهره‌گیری از فنون و آموزش‌های روز، ملاحظات خاص خود را داشت. از جمله این ملاحظات، ایجاد بستر نفوذ برای غرب در این بخش از نهاد قدرت در کشور بود. ادعاها در ارتباط با شایعه تأثیرات غرب در روی کار آمدن آتاترک حاصل این نگاه بوده است. با این وجود تردیدی در این امر وجود ندارد که نظامیان از پیشگامان و عوامل مهم در آشنایی مردم ترکیه با جهان مدرن بوده‌اند (آزاد، ۱۳۸۹). با تشکیل ارتش نوین و برقراری خدمت سربازی اجباری، سربازان و به تعبیر بهتر بخش مهمی از بدنه جامعه در کنار انجام وظیفه نظامی‌گری، با نظم، انضباط، بهداشت و شاخص‌های توسعه و... آشنا شده و عملاً با این تحول بخش مهمی از آشنایی مردم با مفاهیم مدرن تحقق می‌یافت. وظیفه ارتش در کنار حفظ مرزها (البته در ترکیه ارتش بیشترین نقش خود را در سرکوب داخلی و برقراری نظم عمومی نشان داد).

ایجاد یک ملت واحد و ریشه‌دار نمودن مفهوم دولت در نزد مردم بود. این پروسه در دوران آتاترک با تأکید افراطی بر ملی‌گرایی به اجرا درآمد. این تحول مورد حمایت محافل بین‌المللی قدرت بود، زیرا در بخش‌های نیز با منافع آنان همپوشانی داشت. در نگاه کلی ترکیه وارث امپراطوری نظامی بود که عظمت و بزرگی خویش را بیش از هر چیز مدیون قدرت نظامیان این کشور بود.

ینی‌چری‌ها، سربازان و به تعبیر دیگر غازیان مسلمان و جهادگری بودند که وظیفه آنان در کنار حفاظت از مرزها، گسترش قلمرو سرزمین‌های اسلامی بود. در دوره‌های مختلف امپراطوری عثمانی جایگاه نظامیان دچار فراز و نشیب‌هایی شد ولی این صعود و نزول موقعیت، هیچگاه به مرحله‌ای نرسید که سبب از دور خارج شدن نظامیان از دور قدرت گردد، آتاترک مؤسس ترکیه نوین نیز خود از سرداران امپراطوری بود. این گذشته و شرایط داخلی و بین‌المللی موجب شد، در تغییر و تحولات منجر به تغییر نظام از امپراطوری به جمهوریت که طی آن بسیاری از ساختارها تغییر بنیادی نمود، نه تنها جایگاه نظامیان در دوران جدید تضعیف نگردد، بلکه حتی در قیاس با گذشته تقویت شده و آنان در رأس هرم قدرت قرار بگیرند. در ترکیه قدرت نظامیان با ورود این کشور به دوران نظام چند حزبی از اواخر دهه ۴۰ میلادی با نوساناتی مواجه گردید، لیکن هیچ‌گاه از موقعیت اول در هرم قدرت دور نشدند. انجام کودتاها و شبه‌کودتاهای متعدد و پذیرش آن از سوی محافل داخلی نشان داد که نظامیان در ترکیه کماکان به عنوان حافظان جمهوریت، نقش محوری در هرم قدرت دارند (آزاد، ۱۳۸۹).

وجود دشمن و تهدیدات آن

جنگ با دشمنان و تداوم تهدید آنها یکی دیگر از دلایل تقویت و شکل‌گیری دولت عمیق نظامیان در ترکیه است. در بُعد خارجی سرزمین ترکیه مورد حمله یونانی‌ها و ارمنی‌ها بود. وجود این تهدید خارجی، بستر و زمینه مناسبی را برای

ترویج اندیشه‌های ناسیونالیستی فراهم کرد به خصوص آن که اختلاف ترک‌ها با یونانی‌ها و ارمنی‌ها ریشه تاریخی هم دارد.

در بعد داخلی هم جنگ با گُردها و مبارزه با اسلام‌گرایان به عنوان دشمنان ایدئولوژی کمالیستی مداخله نظامیان را توجیه می‌کرد. به طوری که گفته می‌شود تحلیل‌گران مسائل ترکیه دو نظریه را در مورد بهانه‌های ارتش برای مداخله در عرصه سیاست مطرح می‌کنند:

یکی نزاع با گُردها و دیگری مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و صیانت از آرمان‌های آتاترک. این دو عامل همواره از سوی نظامیان به عنوان توجیه مناسبی برای حضور ارتش و ماندن در عرصه ساختار سیاسی قدرت بوده است (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۱۲۱). افکار عمومی ترکیه نیز ارتش این کشور را عامل تضمین‌کننده وحدت و تمامیت ارضی، نظام جمهوری و سایر اصول کمالیستی می‌داند. این نقش ارتش در سایه بی‌ثباتی سیاسی و کشمکش میان احزاب چپ‌گرا، راست‌گرا و اسلام‌گرا بیش از پیش تقویت شده است (روا: ۱۳۸۹).

کنترل ارتش بر زیرساخت‌های اقتصادی کشور

از مهم‌ترین الزامات شکل‌گیری دولت عمیق، اتکای آن بر منابع مالی ویژه است. تا هنگامی که ارتش به بودجه مصوب پارلمان متکی باشد، امکان شکل‌گیری دولت عمیق وجود ندارد (پور حسن، ۱۳۹۵: ۸). در خصوص منابع مالی ارتش در ترکیه همان‌طور که در بخش‌های قبلی گفته شد این نهاد در بخش‌های اقتصادی نیز سرمایه‌گذاری داشته است و با ایجاد گروه‌ها و بنیادهای مالی سعی در تأمین منابع مالی خود دارد. هم‌چنین شراکت و سرمایه‌گذاری آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر افزایش استقلال این نهاد، آنها را بی‌نیاز از بودجه دولتی و مصوب پارلمانی کرده است و معافیت‌های مالی هم که در اختیار آن‌هاست توان رقابت سایر شرکت‌ها با شرکت‌های زیر نظر ارتش را کاهش داده است. سود حاصل از این شرکت‌ها که خارج از کنترل و نظارت

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۲۱

دولت هستند صرف پرداخت حقوق کارکنان و بازنشستگان و سایر مزایای در اختیار نیروهای مسلح و ارتش می‌شود. هم‌چنین منافع مالی به دست آمده به جذب و حفظ پرسنل کارآمد و تقویت جایگاه اجتماعی- سیاسی ارتش و نیروهای آن می‌شد.

علاوه بر این ساختارهای سیاسی و قانون اساسی ترکیه نیز اختیارات ویژه‌ای را برای نیروهای مسلح قرار داده است و ارتش کنترل زیادی بر سایر نهادهای سیاسی و مدنی جامعه دارد و دادگاه قانون اساسی پیش‌بینی کرده است که هرگاه دولت‌های انتخابی منافع نهادهای انتصابی هم چون ارتش و قوه قضائیه را به خطر اندازد ارتش وارد عمل شود و نهادهای انتخابی را کنترل کند (عبدالهی، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۳).

علی‌رغم حضور دولت عمیق از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و گذار به نظام چندحزبی در عرصه سیاسی، این مفهوم به طور رسمی در دهه ۱۹۹۰م وارد ادبیات سیاسی ترکیه شد و به واسطه پشتوانه‌های مالی و قانونی که در جامعه ترکیه داشت پایدار ماند و دلیل حضور خود را به عنوان نگهبان مجموع اصولی که آن‌ها به عنوان ارزش‌های ملی معرفی کرده‌اند، می‌داند و هر گونه تهدید علیه آنها را، تهدید علیه ارزش‌های ملی کشور و اصول کمالیستی می‌داند و خود را مؤظف به دفاع از آن‌ها در برابر دشمنان داخلی و خارجی می‌داند و هرگونه اقدام علیه این دشمنان، حتی مداخله نظامی را توجیه می‌کنند بر همین اساس دولت عمیق وجود خود را با نیاز به قیمومت بر جامعه و دولت تحمیل می‌کند.

با توجه به نوع رابطه دولت عمیق با حکومت دو قطب مثبت و منفی برای آن تعریف می‌شود. قطب مثبت دولت عمیق حالت نیمه‌رسمی را تشکیل می‌دهد در حالی که قطب منفی آن دولت غیررسمی است. دولت عمیق در ساختار یک کشور در زیرمجموعه‌ای از سه حالت دولت (رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی) قرار دارد (Soyler, 2015:43).

دولت عمیق هرگاه لازم بداند به تمامی عرصه‌های زندگی بسط می‌یابد می‌تواند برای حفظ اصول و ارزش‌های کمالیستی دست به مداخله بزند و اقدامات آنها متناسب با دورانی است که در آن دولت ظهور کرده است؛ یعنی حفظ دولت در دوران نظام تک‌حزبی. حکومت‌های منتخب هم تنها به قدری قدرت دارند که نخبگان را به چالش بکشند و ارتش، قوه قضاییه و بوروکراسی آنها را به موضع دفاعی بکشاند و گاهی هم نخبگان موفق می‌شوند و نهادهای دولتی را با کادرهای خاص خود در اختیار می‌گیرند. تمایز میان دولت نخبگان و حکومت منتخب روشن نیست و انبوهی از روابط میان این دو حوزه وجود دارد. در دوره ثبات نسبی ممکن است دولت نخبگان عقب‌نشینی کند و ارتش و قوه قضاییه طبق الزام قانون اساسی عمل کنند اما در دوره بحران به ویژه در طول مداخله‌های نظامی دوگانگی‌های این دو حوزه آشکار می‌شود (اکت، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۸).

از اوایل تشکیل جمهوری ترکیه تا قبل از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه یعنی دوره‌ای که دولت مدرن ترکیه ریشه در آن داشت و ساختارها بنیان گذاشته شده بود که با توجه به اینکه نظامیان این کشور نقش مهمی را در شکل‌دهی به این ساختارها داشتند، این ساختارها و روابط به نفع نظامیان و به ضرر نهادهای مدنی شکل گرفت و ارتش توانست خود را به عنوان یک بازیگر سیاسی مهم در این کشور مطرح کند و ضمن اینکه به دلایل مختلف خود را از سایر بخش‌های جامعه جدا کرده که مهم‌ترین علت آن ایفای نقش حفاظت از مبانی عقیدتی کمالیسم به عنوان تنها نظام عقیدتی رسمی کشور می‌باشد، حالت فرادستی هم پیدا کرد. ارتش ترکیه تا سال ۱۹۴۶ به عنوان یک رکن نظامی در کنار رکن سیاسی یعنی حزب جمهوری خواه خلق قرار گرفته بود ولی تحولی که از این سال به بعد رخ داد و نظام سیاسی چندحزبی جایگزین نظام تک‌حزبی شد، زمینه‌ای برای سیاسی شدن هرچه بیشتر این نهاد شد. استقلال ارتش در دوره پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰م بیانگر تغییر قابل

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۲۳

توجهی در نفوذ ارتش در سیاست می‌باشد. هر اندازه محوریت ارتش در سیاست بیشتر باشد، به همان اندازه نظام سیاسی کشور دچار بحران می‌شود و این تناقض در سیاست ترکیه از بدو تأسیس نظام جمهوری وجود داشته است. این بحران سیاسی توسط قوانین اساسی ۱۹۶۱ و ۱۹۸۲ عمیق‌تر گردید، در قانون اساسی ۱۹۸۲م ارتش به عنوان ناجی دموکراسی کشور و مهارکننده جنگ داخلی حالت تقدس پیدا کرد. این ادعا که ارتش با کودتای خود در سال ۱۹۸۰ دموکراسی ترکیه را نجات داد، با توجه به زمینه‌های موجود در فرهنگ سیاسی کشور مورد پذیرش سیاستمداران غیرنظامی واقع گردید. فرهنگ سیاسی این کشور این طور تبلیغ می‌کرد که ارتش به عنوان حافظ دولت و ارکان جمهوری از یک مأموریت تاریخی برخوردار است (حیدرزاده، ۱۳۸۰: ۳۳۴-۳۳۵).

اصلاحات اردوغان در راستای کاهش نفوذ نظامیان در سیاست

روی کار آمدن نیروهای اسلام‌گرا یعنی حزب عدالت و توسعه به عنوان یکی از مخالفین اصلی کمالیست‌ها با کاهش نقش نظامیان توأم شد. اصلاحات قانون اساسی، انتخاب فرماندهان ارتش، محدود کردن نفوذ ارتش در تصمیمات سیاسی و... از اقدامات اساسی اردوغان در جهت کاهش نفوذ نظامیان بود که در ذیل به طور مختصر به آنها پرداخته خواهد شد:

محدود کردن نقش ارتش در شورای امنیت ملی: از ۱۹۶۱ میلادی رهبران نظامی ترکیه با ایجاد شورای امنیت ملی به مداخله خود در دولت و سیاست‌گذاری کشور رنگ و بوی قانونی دادند. این شورا یک نهاد مشورتی متشکل از مقامات نظامی و غیرنظامی است که به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل جلسه می‌دهد. با وجود عضویت غیرنظامیان در این شورا، نظامیان از این نهاد به عنوان ابزاری تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی در زمینه‌های گوناگون استفاده می‌کنند. با روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه، اولین سنگری که

توسط اردوغان برای کاهش قدرت ارتش تصرف گردید، این نهاد بوده است. اردوغان به واسطه اختیارات قانون اساسی^۱ ترکیب این شورا را تغییر و ریاست آن را به یک غیرنظامی سپرد و از یک نهاد دارای قدرت خاص به نهاد مشورتی تبدیل کرد و از این طریق باعث محرومیت ارتش از یکی از توانایی‌های ارزشی آن شده است (بصیری، ۱۳۹۶: ۱۰).

محاکمات ارگنکون^۲

اقدام بعدی حزب عدالت و توسعه و اردوغان در مقابله با ارتش، متلاشی کردن سازمان مخفی ارگنکون بود که متشکل از ژنرال‌های بازنشسته، در حال خدمت و ملی‌گرایان افراطی بود که در سال ۲۰۰۸ بیش از صد نفر؛ شامل چندین ژنرال ارتش، مقامات حزبی و رئیس سابق شورای امنیت بودند به جرم همکاری و عضویت در این سازمان دستگیر و محاکمه شدند. این سازمان درصدد براندازی حکومت حزب عدالت و توسعه بود. در پرونده ارگنکون که بسیاری از نظامیان متهم به کودتا علیه دولت در آن شدند اردوغان دست بازتری پیدا کرد تا تعدادی از ژنرال‌های مهم را برکنار و دادگاهی کند و در نهایت نقش ارتش را نیز به همین بهانه کاهش دهد (بصیری، ۱۳۹۶: ۱۱) اما این زیاده‌روی‌ها، مخالفت احزاب جمهوری‌خواه خلق و حرکت ملی را به وجود آورد که خواهان نقش‌آفرینی جدی ارتش در عرصه سیاسی ترکیه بودند، آن‌ها معتقد بودند که ترکیه در یک منطقه آسیب پذیر واقع شده است که توسط دشمنان داخلی و خارجی محاصره شده و به همین دلیل ارتش برای تأمین امنیت ترکیه باید نقش بسیار ویژه‌ای داشته باشد که توسط ژنوپلیتیک منحصر به فرد این کشور تعریف شده است (Ozkan, 2011). مشکلات امنیتی همانند مساله

۱. طبق ماده ۱۱۲ قانون اساسی ترکیه نخست‌وزیر موظف به اتخاذ تدابیر نظارتی و اصلاحی در رابطه با مطابقت اقدامات وزیران با قانون اساسی و قوانین عادی می‌باشد.

2. Ergenekon

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۲۵

کردها و جنگ با پکک و یا در عرصه خارجی اختلافات با یونان، قبرس، اشغال نظامی و جنگ عراق نیاز این کشور به داشتن ارتشی قدرتمند را توجیه می‌کند.

حزب عدالت و توسعه در طی آن سال‌ها با چالش‌های زیادی از سوی ارتش، سیستم قضایی و به طور خاص دادگاه قانون اساسی روبه‌رو بود. نگاه به ساختار سیاسی - امنیتی ترکیه در طول سال‌های حکمرانی آک‌پارتی نشان از آن داشت که اردوغان به طور جدی از ناحیه ارتش احساس خطر می‌کرد و از کودتای دوباره ارتش می‌ترسید و اقدام به تسویه حساب عناصر مختلف امنیتی - سیاسی در سطح ارتش و نظامیان می‌کرد. در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ کمالیست‌ها به خاطر از دست دادن قدرت و کاهش نقش خود تلاش‌های گسترده‌ای کردند که نقش از دست رفته خود را احیا کنند، ارتش و دولت عمیق با وجود تمام سلطه‌ای که در گذشته داشتند و به واسطه پشتوانه‌های قانونی در صدد ضربه‌زدن به آک‌پارتی بودند و به همین دلیل رهبران آک‌پارتی دریافتند که باید اقدامات قاطعانه‌تری در برابر این موانع انجام دهند و از این‌رو به اصلاح قانون اساسی مبادرت ورزیدند تا به شکل قانونی دامنه اختیارات نظامیان را محدود کنند (Smith, 2016).

همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی

قانون اساسی ترکیه تا سال ۲۰۱۰ میراث کودتای ۱۹۸۰م و طرفداران کمالیسم بود و بر اساس آن هم‌چنان سایه سنگین نظامیان در اداره کشور حس می‌شد. پس از این‌که دولت اردوغان نقشه‌های مختلف نظامیان را برای کودتا خنثی کرد و سازمان مخفی ارگنکون را منحل کرد، دریافت که اصلاح قانون اساسی در وضعیتی که حزب عدالت و توسعه پشتوانه مردمی خوبی دارد و ارتش هم در موقعیت ضعف بود یک نیاز حیاتی و اقدام قاطع در جهت کم کردن نقش نظامیان در امور سیاسی است.

همه‌پرسی مواد اصلاحی قانون اساسی در سال ۲۰۱۰ برگزار و توسط مردم تأیید شد و براساس آن موادی که در خصوص موقعیت برتر نظامیان و نیروهای مسلح بود اصلاح شد. از جمله مهم‌ترین مواد اصلاحی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قانون اساسی که در سال ۱۹۸۲ و بعد از کودتا تصویب شد به دلیل اینکه توسط نظامیان تدوین شده بود اختیارات ویژه‌ای را برای نظامیان و کودتاچیان در نظر گرفته بود؛ طبق قانون اساسی ۱۹۸۲، کسانی که در کودتا ۱۹۸۰ دخالت داشتند نمی‌توانند محاکمه و دادگاهی شوند و مصونیت قضایی داشتند. این ماده در جریان اصلاحات قانون اساسی سال ۲۰۱۰ حذف شد، ماده‌ای که به ممنوعیت محاکمه نظامیان در محاکم غیرنظامی مربوط می‌شود و این ماده فضا را برای کاهش قدرت نظامیان مساعد کرد. ماده دیگر در نظام سیاسی ترکیه تا پیش از این دولت نقشی در انتخاب قضات نداشت که این ماده هم اصلاح شد و انتخاب قضات از دست نیروهای مسلح خارج شد. بر اساس اصلاحات صورت گرفته پاسخ‌گویی نظامیان کشور در دادگاه‌های غیرنظامی بیشتر شد و پارلمان ترکیه قدرت بیشتری در انتخاب قضات خواهد داشت. هم چنین مصونیت قضایی کودتاچیان حذف شد و مشروعیت کودتا را از بین برد (به نقل از قانون اساسی ترکیه قبل و بعد از اصلاحات ۲۰۱۰).

اصلاح ماده ۳۵ قانون اساسی: مطابق ماده ۳۵ قانون اساسی سرویس داخلی ترکیه وظیفه ارتش «مسئولیت و حفاظت از خاک جمهوری ترکیه بر اساس جمهوری در قانون اساسی از وظایف نیروهای مسلح کشور عنوان شد» و ارتش به عنوان نگهبان اصول کمالیستی معرفی شد، بر طبق این اصل ارتش اجازه داشت تا در صورت نیاز و یا به هنگام به خطر افتادن این اصول مداخله کند. اما پارلمان ترکیه بر اساس پیشنهاد حزب عدالت و توسعه این قانون را که نیروهای مسلح بارها به آن استناد کرده و دست به کودتا زده‌اند، اصلاح کرد تا یکی دیگر از راه‌های نفوذ ارتش در سیاست محدود شود و به موجب اصلاحیه

این ماده به این صورت تغییر یافت که «مسئولیت حفاظت از خاک ترکیه علیه خطر و تهدید خارجی و داخلی، تقویت قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح، انجام مأموریت در خارج بر اساس آنچه پارلمان کشور مشخص می‌کند و حمایت از صلح بین‌المللی از وظایف نیروهای مسلح در ترکیه به شمار می‌رود.» طبق ماده ۱۱۷ قانون اساسی فرماندهی کل نیروهای مسلح از موجودیت معنوی مجلس غیرقابل انفکاک است و از جانب رئیس‌جمهور به جا آورده می‌شود. هیات وزیران در قبال برقراری امنیت ملی و آمادگی نیروهای مسلح در دفاع از وطن در مقابل مجلس مسئول هستند، رئیس ستاد مشترک، فرماندهان نیروهای مسلح بوده و در زمان جنگ وظایف فرماندهی کل را از جانب رئیس‌جمهور بر عهده دارد. رئیس ستاد مشترک بنا بر پیشنهاد هیأت وزیران، از جانب رئیس‌جمهور تعیین می‌شود، وظایف و اختیارات وی توسط قانون معین می‌شود و در قبال وظایف و اختیاراتش در مقابل نخست‌وزیر مسئول می‌باشد (قانون اساسی ترکیه، ۲۰۱۱: ۷۱). با اصلاح این ماده علاوه بر کنترل بر فرماندهان ارتش و مسئول بودن آنها در قبال اقداماتشان با تقویت و توانمند کردن محاکم غیرنظامی برای محاکمه فرماندهان ارتش و تبعیت محاکم نظامی از قوانین جزای عمومی، آک‌پارتی گام مهمی را برای پاسخ‌گویی ارتش در برابر غیرنظامیان برداشت (بصیری، ۱۳۹۶: ۱۲).

استعفا دسته‌جمعی فرماندهان ارتش

در آخرین صحنه قدرت‌نمایی و تقابل ارتش با حزب عدالت و توسعه در جولای ۲۰۱۱، ایشیک کوشانر رئیس ستاد نیروهای مسلح به همراه فرماندهان نیروی زمینی، هوایی و دریایی ارتش در اعتراض به دستگیری عده‌ای از افراد عالی‌رتبه ارتش به جرم توطئه علیه حکومت آک‌پارتی استعفا دادند. مهم‌ترین دلیل استعفا و مناقشه بین نظامیان و دولت، دستگیری افسران ارشد ارتش بود که پس از بازجویی مشخص شده بود در توطئه‌چینی برای براندازی حکومت



اردوغان دست داشته‌اند. این استعفا گام مهمی در تاریخ سیاسی ترکیه بود؛ چرا که برای اولین بار نظامیان به جای آنکه بخواهند از راه کودتا قدرت سیاسی را به دست گیرند خود را ناچار می‌دیدند که استعفا دهند. ژنرال‌ها سعی داشتند با این اقدام خود مانع بازداشت و محاکمه افسران متهم در پرونده ارگنکون و نیز پتک آهنین که علیه آک‌پارتی طراحی شده بود، شوند. اما بر خلاف محاسبات ارتش، آک‌پ با مدیریت درست بحران توانست فضای تهدیدآمیز علیه خود را به فرصت مناسبی برای سازماندهی مجدد ساختار فرماندهی ارتش تبدیل کرده و تحول عظیمی را در کشور رقم بزند. بلافاصله بعد از استعفا، عبدالله گُل رئیس‌جمهور ترکیه آن را پذیرفت و ژنرال نجت اوزل را به کفیل ریاست فرماندهی ارتش منصوب کرد و در ادامه هم فرماندهان نیروهای سه‌گانه را منصوب کردند (2011, Aljazeera). برای نخستین بار در تاریخ ترکیه دولت به شکل واقعی در انتخاب فرماندهان ارتش نقش داشت؛ چرا که طبق اصلحیه قانون اساسی در همه‌پرسی ۲۰۱۰ دولت ترکیه حق انتخاب فرماندهان ارتش را داشت اما در طول تاریخ سیاسی ترکیه ارتش همواره انتخاب فرماندهان را از درون خود تصمیم‌گیری می‌کرد و نظر خود را بر دولت تحمیل می‌کرد (2011, Today's zaman).

استیون کوک تحلیل‌گر شورای روابط خارجی آمریکا، در خصوص این استعفای دسته‌جمعی گفت: «این اقدام نظامیان نشانگر آن است که راه دیگری برای آن‌ها باقی نمانده است. از سوی دیگر، آرایه‌ای که در این چند سال مردم به حزب عدالت و توسعه داده‌اند نشانگر این است که مردم دیگر تمایلی به حضور نظامیان در قدرت ندارند.» هم‌چنین آیدی آسبک، از ستون‌نویسان روزنامه‌ی ملیت ترکیه، در ستون یادداشت خود نوشت: «به طور نمادین این پایان حضور نظامیان ترکیه در قدرت است. آن‌ها از نظر سیاسی فلج شده‌اند و این حرکت نمادین به این معنا بود که سرانجام نظامیان در این کشور شکست خوردند.» چنگیز آکتار، از اساتید دانشگاه استانبول، در یادداشتی عنوان کرد: «این جزیی

از فرآیند گسترش دموکراسی در کشور است، نظامیان یک بار و برای همیشه بایستی به سربازخانه‌های خود باز گردند و از دولت منتخب اطاعت کنند.»
تحولی که در ترکیه اتفاق افتاد تحولی عمیق بود، می‌توان گفت اردوغان و حزب حاکم وی پس از سال‌ها توانستند سایه‌ی سنگین نظامیان را از بالای سر خود کنار بزنند. ارتش از تسلط مطلق ایدئولوژی کمالیستی آرام آرام رها شده و به جای وفاداری به کمالیسم، وفاداری به کشور حاکم می‌گردد.

بازسازی دوباره دولت عمیق

بر اساس مؤلفه‌های مکانیسم علی و ردیابی فرایند دولت عمیق ترکیه در نتیجه یک علّیت تاریخی که پس از شکست‌های امپراطوری عثمانی آغاز شد ظهور کرد و در زمان تأسیس نهادهای جدید در هنگام تأسیس جمهوری ترکیه جایگاه خود را در ساختار سیاسی ترکیه باز کرد و در طی سال‌های بعد از مرگ آتاترک، پایان نظام تک‌حزبی کمالیستی و شکل‌گیری نظام چندحزبی در ترکیه جایگاه خود را باز کرد. در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و خصوصاً بعد از کودتای ۱۹۸۰ جایگاه خود را در ساختار سیاسی این کشور مستحکم کرد. طبق نظر «جیمز ماهونی» مؤلفه‌های تحلیلی وابسته به مسیر در شکل‌گیری دولت عمیق در ترکیه به شرح زیر است: مرحله اول شرایط تاریخی و سیاسی که بر گزینه‌های موجود برای فعالیت بازیگران تأثیر می‌گذارد و آنها را به تحرک وامی‌دارد. مرحله دوم نقطه بحرانی زمانی رخ می‌دهد که یک فرصت تاریخی برای فعالیت بازیگران پیش می‌آید. در مرحله سوم به واسطه موقعیت و فرصت پیش آمده، نهادهای جدید خلق می‌شوند که به علت پایداری ساختاری در طول زمان بازتولید می‌شوند. در مرحله چهارم در واکنش نسبت به این نهادها از سوی دیگر بازیگران مداخله می‌شود و نهادهای کنونی با چالش پایداری ساختاری مواجه می‌شوند و در مرحله آخر ماندن ساختار قبلی بستگی به چگونگی حل و فصل مداخلات بین بازیگران مختلف با اهداف متفاوت، دارد (Soyler,)

تحولات بعد از سال‌های ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که دولت عمیق به دنبال بازسازی خود است. مساله کردستان به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی ترکیه که دوباره در عرصه سیاسی این کشور برجسته شده و منازعات بین دو طرف شدت گرفته است. در سال‌های اخیر از یک سو بعد از به بن بست رسیدن مذاکرات با پک ک که منجر به بدتر شدن محیط امنیتی در استان‌های جنوب شرق کشور شد و باعث شد درگیری‌های مسلحانه با پک ک مجدداً آغاز شود و از سوی دیگر نزاع میان دولت آک پارتی و متحدان سابق آنها در جنبش گولن که دشمن مشترک ارتش و آک پارتی شده است نیز به ایجاد یک ائتلاف بین دولت و ارتش کمک کرده است. هم اردوغان و هم ژنرال‌ها مایل به محدود کردن نفوذ حامیان گولن و اندیشه‌های او در جامعه و نظام سیاسی و هم چنین سرکوب نیروهای پک ک و گُردها هستند.

این عوامل در کنار تحولات نظامی ترکیه در سوریه زمینه‌های نزدیکی هر چه بیشتر بین ارتش و دولت آک پارتی را فراهم کرده است تا به مبارزه با دشمنان مشترک بپردازند. هم چنین سرمایه‌گذاری‌های دولت آک پارتی در صنعت دفاعی کشور توسط ژنرال‌هایی که مشتاقانه منتظر ارتقا نیروهای مسلح و صنایع دفاعی کشور هستند با استقبال روبه رو شد، بنابراین تغییرات در روابط مدنی- نظامی که از سال ۲۰۰۲ شروع شد بیشتر در مورد نظامی‌سازی سیاسی بود تا غیرنظامی کردن روابط مدنی. اصلاحات اردوغان تأثیرات سیاسی و نفوذ نیروهای مسلح را به میزان زیادی کاهش داد و دولت‌های انتخابی محدودیت‌هایی را در زمینه استقلال ارتش ایجاد کردند اما ارتش همچنان نفوذ قابل ملاحظه خود را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در حوزه دفاعی و امنیتی حفظ کرده است و هنگام اداره پرسنل، تخصیص بودجه و... مستقلانه عمل می‌کند؛ به عبارت دیگر ارتش به طور کامل تحت کنترل و نظارت غیرنظامی قرار نگرفته است. اما با توجه عواملی نظیر کاهش محبوبیت در صورت مداخله نظامی،

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۳۱

فشارهای خارجی و ... سعی می‌کند اولویت‌های دموکراسی را رعایت کند و به نظر مردم احترام بگذارد، اما در مورد مسائل امنیتی هم‌چنان دیدگاه خود را مشخص می‌کند (Hougom, 2016).

تحلیل تبیینی

در این بخش به روش تکنیک ردیابی فرایند الگوی تکوین و نقش آفرینی دولت عمیق نظامیان در ترکیه توضیح داده خواهد شد:

۱. ظهور ارتش ترکیه به عنوان نیرویی نوساز در اواخر دوره امپراطوری عثمانی.
۲. فروپاشی امپراطوری عثمانی، تشکیل جنبش دفاع از حقوق و برعهده گرفتن جنگ استقلال ترکیه توسط ارتش.

۳. تأسیس جمهوری ترکیه و انقلاب از بالای اداری توسط کادرهای جمهوری وابسته به ارتش.

۴. ورود به عرصه سیاسی در سال ۱۹۶۰ به صورت مستقیم و انجام کودتا برای حفاظت از اصول کمالیستی.

۵. انجام کودتاهای ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ و کنترل شدید بر عرصه سیاسی به واسطه اختیارات گسترده‌ای که با تدوین قانون اساسی توسط نظامیان، به آنها داده شد و شکل‌گیری دولت عمیق.

۶. ورود نظامیان به بخش اقتصادی و در دست گرفتن شرکت‌های تولیدی و تجاری کشور و قدرتمند شدن دولت عمیق.

۷. طی دهه ۸۰ از یک سو با تأسیس حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) و ترورهایی که عوامل دولت عمیق انجام دادند و در دهه ۹۰، جنگ ارتش علیه کردها بالا گرفت و از سوی دیگر با اصلاحاتی که تورگت اوزال در عرصه سیاسی و اقتصادی انجام داد شرایط برای فعالیت اسلام‌گرایان در کشور مهیا شد و باعث شد در سال ۱۹۹۶ اسلام‌گرایان به رهبری نجم‌الدین اربکان پست نخست‌وزیری را به دست آورند، اما ارتش یک سال بعد او را وادار به استعفا

کرد که این تهدید و استعفا اربکان به کودتای پست‌مدرن ارتش مشهور شد و دوباره قدرت به دست ارتش افتاد.

۸. با وقوع حادثه سوسرلوک در استانبول در سال ۱۹۹۶ که توسط عوامل دولت عمیق انجام شده بود، این اصطلاح رسماً وارد ادبیات سیاسی ترکیه شد.

۹. بحران‌های سیاسی و اقتصادی سال‌های آخر دهه ۹۰ و عدم توان نظامیان برای حل این بحران‌ها باعث شد در انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲ دوباره نیروهای اسلام‌گرا به قدرت برسند. قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه و اردوغان سبب کاهش نقش نظامیان در امور سیاسی شد و اردوغان طی چند سال با اصلاح قانون اساسی، ساختار شورای امنیت ملی، خنثی کردن کودتاهای ارگنکون، بالیوز و... توانست نفوذ ارتش و نظامیان را در امور سیاسی مسدود کند.

۱۰. توقف سیاست‌های اصلاح‌طلبانه اردوغان و شروع رویکرد اقتدارگرایانه بعد از تثبیت قدرت خود، سبب بروز منازعات دوباره و احیای شکاف‌های اجتماعی شد که طی آن جنگ با کردها دوباره شروع شد و از طرف دیگر اختلافات اردوغان با متحد سابق سیاسی خود در جنبش گولن سبب تنش بین دو طرف شد که این دو گروه دشمن ارتش و نظامیان هم بودند.

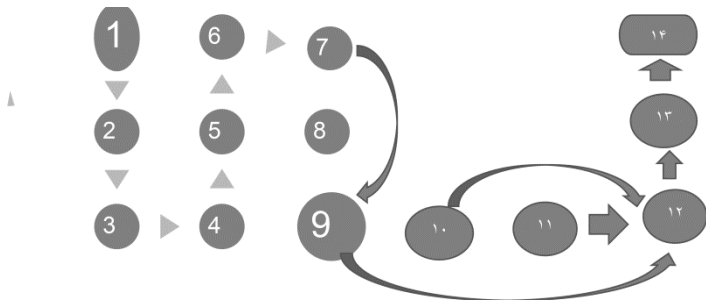
۱۱. در حوزه خارجی تحولات بعد از بهار عربی خصوصاً در سوریه، ترکیه را به یکی از طرف‌های درگیر در منازعات این کشور تبدیل کرد.

۱۲. عوامل فوق باعث شد که اردوغان برای مقابله و جنگ با دشمنان در داخل و خارج کشور به ارتش نیاز پیدا کند.

۱۳. ارتش هم که به واسطه اصلاحات اردوغان اختیارات قانونی خود را از دست داده بود تمایل داشت در کنار آک‌پارتی به مقابله با این دشمنان مشترک بپردازد و در جنگ با پ‌ک‌ک و هم چنین جنگ در سوریه به کمک اردوغان آمد و برای جنگیدن به دشمنان مشترک با آک‌پارتی به ائتلاف رسیدند.

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۳۳

۱۴. این ائتلاف دوباره و نقش آفرینی ارتش در کنار اردوغان برای سرکوب دشمنان مشترک می‌تواند شرایط را برای حضور دوباره دولت عمیق نظامیان در عرصه سیاسی ترکیه مهیا کند.



نمودار ۱. الگوی تکوین و نقش آفرینی دولت عمیق در ترکیه

نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به اشکالات قانون اساسی، عرف سیاسی کشور، پشتوانه‌های اقتصادی قوی و وجود مسائل امنیتی در ترکیه محدود کردن ارتش و نظامیان کار آسانی نیست؛ چرا که لازم است قانون اساسی از حالت یک قانون نوشته شده به دست نظامیان و برای آنها خارج شود و قانون اساسی که تفوق غیرنظامیان و جامعه مدنی را بر نهادهای نظامی تضمین و برتری دهد، تدوین شود، در غیر این صورت ارتش به واسطه پشتوانه‌های اقتصادی و قانونی هر زمان لازم بداند دست به مداخله در امور سیاسی خواهد زد. نمودار زیر چرخه تحول در سیاست داخلی و چگونگی مداخلات ارتش را نشان می‌دهد:

شکل ۱. چرخه تحول در سیاست داخلی



ترکیه با تکیه بر اقدامات ارتش

طبق نمودار فوق نفوذ و حضور نظامیان و ارتش در عرصه قدرت سیاسی ترکیه آشکار و غیرقابل انکار است. حضور نظامیان از یک طرف به واسطه قدرت اقتصادی نهاد ارتش و از سوی دیگر به واسطه سلطه فرهنگ نظامی‌گری و جنگ با دشمنان ملت تُرک بود که از سوی فرهنگ سیاسی جامعه ترکیه مورد پذیرش قرار گرفته است و حضور آنها در رأس قدرت سیاسی برای ثبات و استقلال کشور مهم تلقی می‌شود. حضور ارتش در قدرت سیاسی از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ و در زمان آتاترک به صورت غیرمستقیم بود، هر چند بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۶۰ در امور سیاسی دخالت می‌کرد، اما با کودتای ۱۹۶۰ به طور مستقیم

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۳۵

وارد فرایند قدرت سیاسی شد و حکومت منتخب وقت را کنار گذاشت و یک رژیم نظامی را برکشور حاکم کرد و این کار را در سال ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۷ هم تکرار کرد.

ارتش هر بار پس از کودتا با فشار عوامل داخلی و خارجی در راستای ایجاد دموکراسی و کاهش نقش نظامیان در امور سیاسی مواجه می‌شد و برای این که مشروعیت خود را در جامعه از دست ندهد اقدام به برگزاری انتخابات می‌کرد، هرچند که در انتخابات هم دخالت می‌کرد و سعی داشت نیروهای وابسته به نظامیان پیروز شوند. اما حکومت از دست نظامیان خارج می‌شد و غیرنظامی‌ها به قدرت می‌رسیدند. بعد از در دست گرفتن قدرت و تشکیل دولت، ارتش در تصویب قوانین مداخله می‌کرد و اقدام به تعیین محدودیت‌ها و چارچوب‌های تعیین شده برای حکومت کردن، می‌کرد و در صورتی که دولت منتخب این چارچوب‌ها و محدودیت‌ها اعم از فعالیت‌های کمونیستی، اسلام‌گرایی و ... را رعایت نمی‌کرد با تهدید، دخالت و در نهایت با کودتای ارتش از عرصه قدرت کنار گذاشته می‌شدند و ارتش دوباره حاکمیت و قدرت سیاسی را در دست می‌گرفت و تا زمانی که به نتایج و اهداف خود نمی‌رسیدند نظامیان بر مسند قدرت سیاسی بودند.

غیرقابل درک نیست که با عمیق‌تر شدن بحران‌های سیاسی در ترکیه و شکاف‌های اجتماعی که وجود دارد و با در نظر گرفتن این نکته که دولت آک‌پارتی قادر به پاسخ‌گویی و حل این شکاف‌ها و بحران‌ها نیست، دولت عمیق به پشتیبانی ارتش دوباره تصمیم به دخالت در عرصه سیاسی بگیرد. در مجموع ارتش و نظامیان قائل به یک دموکراسی هدایت شده از سوی نهادهای نظامی هستند و حرکت در چارچوبی غیر از آن را به مثابه تهدید علیه آرمان‌ها و اصول کمالیستی و توجیهی برای مداخله در امور سیاسی و کنار زدن حکومت‌های منتخب، می‌دانند و مداخله خواهند کرد و ظرفیت و پتانسیل این که دوباره بتوانند به یک بازیگر فعال در عرصه قدرت سیاسی تبدیل شوند را حفظ کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۰) ارتش و سیاست، تهران: نشر قومس.
- اُکتم، کرم (۱۳۹۵) دیروز و امروز یک ملت؛ ترکیه از ۱۹۸۹ تا امروز. ترجمه احمد موثقی و شیوا علیزاده، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد، رهبرقاضی، محمودرضا و مرندی، زهره (۱۳۹۲) تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه، فصلنامه پژوهشی مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳: صص ۴۵-۷۲.
- امین‌صاری، نوذر (۱۳۸۲) ارتش، سیاست و امنیت در ترکیه (بررسی مدل امنیتی میلیتاریستی). فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۶. صص ۷۶-۹۵.
- ای‌آر، ادوارد و این‌مون، چونگ (۱۳۷۹) امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آزاد، سینا (۱۳۸۹) پایان نقش تاریخی نظامیان در ترکیه، به نقل از دیپلماسی ایرانی. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/۸۴۴۴>.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
- بصیری، محمدعلی، مجیدی‌نژاد، سیدعلی و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶) علت‌کاوی کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ارتش ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۷: صص ۳۹-۶۴.
- پورحسین، ناصر (۱۳۹۵) دولت عمیق نظامیان و کودتای جامعه مدنی در مصر (با تأکید بر تحولات سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸: صص ۵۳-۷۳.
- جلالی، رضا (۱۳۹۱) چشم انداز روابط ارتش ترکیه و حزب عدالت و توسعه، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۸: صص ۷۳-۹۲.

الگوی تکوین و نقش آفرینی... ۱۳۷

جی. شاو (۱۳۷۰) تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه محمود رمضان-زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

حیدرزاده نائینی، محمدرضا (۱۳۸۰) تعامل دین و دولت در ترکیه، تهران: مرکز چاپ و نشر انتشارات وزارت خارجه.

روا، سارا (۱۳۹۵) نقش ارتش در سیاست و امنیت ترکیه، مرکز مطالعات صلح: به نقل از شورای راهبردی روابط خارجی. <http://parstoday.com/fa/asia-51244i>

شکوهی، سعید، (۱۳۹۰) افول ستاره ژنرال های تُرک، به نقل از <http://borhan.ir/NSite/FullStory/?Id=1636> طالبان، محمدرضا (۱۳۸۷) تأملی بر تکنیک ردیابی فرایند در مطالعات انقلاب اسلامی ایران، پژوهش نامه متین: صص ۹۱-۱۱۶.

طالبی چاری، میلاد (۱۳۹۷) رابطه ارتش و سیاست در ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۶). پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علامه طباطبائی.

عابدی گنابادی، رضا (۱۳۸۹) جایگاه ارتش در ترکیه، پایگاه خبری تحلیلی ایران بالکان. <http://www.iranbalkan.net/view-4375.html>

عبداللهی، داریوش (۱۳۹۱) علل تداوم حضور حزب عدالت و توسعه در مسند قدرت سیاسی (۲۰۰۲-۲۰۱۱). پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علامه طباطبائی.

کریمی، جواد (۱۳۹۱) نقش حزب عدالت و توسعه در نوسان قدرت ارتش ترکیه. پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

محمودی، امیررضا و مسعودی نیا، محسن (۲۰۱۱) قانون اساسی جمهوری ترکیه با آخرین اصلاحات سال ۲۰۱۱.

نورالدین، محمد (۱۳۸۲) ترکیه؛ جمهوری سرگردان. ترجمه صغری روستایی، تهران: مؤسسه اندیشه سازان نور.

ب) انگلیسی

----, (2015) *Applying Process Tracing in Five Steps*, Institute of



- Development studies, Brighton.
 ----, Constitution of the republic turkey, 1982
- Andrew, bennett & Jeffrey T. checkel (2015) **process- tracing from metaphor to analytic tool**, Cambridge university press.
- Beach, derek (2012) **process tracing methods- an introduction**, department of political sciences.
- Hougom, Lars, (2012) the Turkish Armed forces in politics.
- Hougom, Lars ,(2016) A political comeback for the Turkish military: Turkey analyst. Org.
- Janowitz, Morris (1977), **Military Institutions and Coercion in the developing Nations**. Chicago: university of chicagi press.
- Jenkins, gareth (2009), **between fact and fantasy: turkey's Ergenekon Investigation**. The Central Asia-Caucasus Institute & silk Road studies program, Paul H. Nitze School of Advanced International Studies.
- Mahoney, James (2002) **path- dependent explanations of regime change**: central America in comparative perspective, studies in comparative international development.
- Mutu ulus, ozgur, (2011) The Army and The Radical Lef in Turkey: Military Coups, Socialist Revolution and Kemalism, published in I.b.tauris& go.ltd.
- O neil, Patrick, (2017) **the deep state: an emerging concept in comparative politics**: Department of politics and government.
- Ozkan, behlul (2011) **"The End of an Era in Turkish Politics"**, Aljazeera, 1 Aug 2011.
- Smith, ben, (2013) **the kurds: new perspective?** House of commons library (international affairs section).
- Soyler, mehtap (2015) the Turkish deep state, state consolidation, civil- military relations and democracy, Routledge studies in middle eastern politics.
- Tunander, ola (2009), democratic state vs. deep state: approaching the dual state of the west, in Eric Wilson, government of the shadows: parapolitics and criminal sovereignty, Australia: pluto press.
- Yavuz, M.H. (2000) "Cleansing Islam from the Public Sphere", *Journal of International Affairs*.**
- Yilmaz, cihat(2016) **Kurdish Question in Turkey: Development of Kurdish Political Parties and Their Perception of Kurdish National Movement from 2003 to 2015**, Vytautas magnus university faculty of political science and diplomacy department of political science, master thesis.